

عهد نامه صلح عاجلا بتمام نقاط اعلام و احکام لازمه خواهند فرستاد که  
مخاصمه را بلا تأخیر ترك نمایند

این عهد نامه که به نستخین و به یک مدلول نوشته شده و بامضا  
و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است بتصویب و تصدیق اعلیحضرت  
شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه خواهد رسید و تصدیق  
نامجات معتبره که دارای امضای ایشان بوده باشد در ظرف چهار ماه و  
در صورت امکان زودتر بتوسط وزرای مختار طرفین مبادله خواهد شد

بتاریخ دهم ماه فوریه سال خجسته فـال سنه ۱۸۴۸  
مطابق پنجم شعبان ۱۲۴۴ هجری درترکمان چای تحریر شد.



آینده - در شماره های آتیه معاهده تجارتنی ترکمن چای راجع  
بمسئله کابینولاسیون و صورت مجلسی که در خصوص تشریفات سفر در  
آنجا بامضا رسیده است درج خواهد شد .



## کورنی، شاعر فرانسوی

پییر کورنی<sup>(۱)</sup> از شعرای نامی فرانسه است که فی الحقیقه  
ایجاد و رونق نثار در آن مملکت مرهون قریحه اوست .

کورنی در سال ۱۶۰۶ میلادی در شهر رون قدم بعرضه وجود  
نهاد و تحصیلات خویشرا در همان شهر پایان رسانید ، پدرش چون از  
وکلای مرافعه بود میخواست که او را نیز بوکالت عدلیه گمارد ، ولی  
کورنی روحاً از اینگونه مشاغل بیزار بود ، بعلاوه لکنت زبان و تبلی  
ذاتی او نیز با کار وکالت منافات داشت ، پس برخلاف میل پدر دل به

(۱) Pierre Corneille.

رَبِّهِ النُّوعِ شَعْرٍ سَبْرَدَه طَرِيقِ شَاعِرِي بِشِ كَرَفْتِ وَ دَرِ سَالِ ۱۶۲۹ اَزْ شَهْرِ رُونِ بَا اَوَّلِيْنَ تَصْنِيفِ تَثْنِيَّ خَوِيْشِ مَعْرُوفِ بَه « مَهْلِيْتِ » (۱) بِپَارِيْسِ اَمَدِ وَ اَنْرَا اَنْشَارِ دَادِ .

اَنْشَارِ اِيْنِ قَطْعَه بَا وَجُودِ نَقَائِصِ بَسِيَّارِ بَرَايِ كُورْنِي مَوْجِبِ شَهْرَتِ فَرَاوَانِ كَرْدِيْدِ وَ بَرِ رَوَاجِ بَا زَارِ تَثْنِيَّ بِيْفَزُودِ . بِسِ اَزْ اَنْ قَطْعَاتِ « بِيَوْمِزْنِ » (۲) « كَنْيِزِ » (۳) « مِيْدَانِ سَلْطَنِيَّ » (۴) وَ غَيْرَه يَكَايَكِ اَزْ قَرِيْبَهٗ تَوَانَايِ اَوْ بُوْجُودِ اَمَدِ وَلِيَّ اسْتَاْدِيَّ وَ مَهَارَتِ وِي دَرِ شَعْرِ ، زَمَانِيَّ اَشْكَارَشُدِ كِه قَطْعَاتِ « مَدَهٗ » وَ (۵) « سِيْدِ » (۶) اَنْشَارِ يَافْتِ .

نَخْسْتِيْنِ بَارِي كِه « سِيْدِ » رَا دَرِ سَالِ ۱۶۳۶ نَمَايِشِ دَاْدَنْدِ ، شَهْرَتِ وَ اَهْمِيَّتِ اَنْ پِيَايَه‌اِي رَسِيْدِ كِه بَرِ اَنْشِ بِيْخَلِ رِيْشَلِيُو دَاْمَنْ زَدِ وَ اَوْ رَا بَرِ اَنْ دَاشْتِ كِه بَا كُورْنِي مَخَالْفَتِ كَنْدِ وَ نُوِيْسَنْدِ گَانِ عَصْرِ رَا بَا تَنْقَاْدِ قَطْعَهٗ « سِيْدِ » بَرَانْ كِيْنِيْزِدِ ، نُوِيْسَنْدِ گَانِ نِيْزَا مَرِ وِي رَا اِطَاعَتِ كَرْدَنْدِ وَ بِيْعِبِ جُوْئِي شَاهْكَارِ كُورْنِي پَرِ دَاخْتَنْدِ ، وَلِيَّ چُوْنِ اَنْتَقَاْدَاتِ اَنْاَنْ مَوْرُدِي نَدَاشْتِ وَ اَزِ اِيْنِرُو طَبْعاً اَزِ اَنْچِه رِيْشَلِيُو مِيْخَوَاسْتِ مَلَايْمَتْرِ بُوْدِ ، مَسْوَجِبِ دَلْتَسْكَيَّ وَ مَلَالِ وِي كَرْدِيْدِ وَ اَزِ رَا هِ كِيْنِه نَمَايِشِ « سِيْدِ » رَا تَوْقِيْفِ نَمُوْدِ .

كُورْنِي بَرِ عِيْبِ جُوْئِي حَاسِدَاَنْ وَ مَخَالْفَتِهَآيِ رِيْشَلِيُو وَ قَمِي نَكْدَاشْتِ وَ بَرِ اَنْ بَدِيْدَه مَنَااتِ وَ بَرِ دَبَارِي نَكْرِيْسَتِ وَلِيَّ مَرْدَمِ چُوْنِ شَيْفَنَهٗ شَاهْكَارِ اَوْ بُوْدَنْدِ بَرَايِ تَهْنِيْتِ وَ تَبْرِيْكِ بَخَاْنَهٗ وِي شَتَاْفَنْدِ وَ بَدِيْنَطْرِيْقِ اَزِ مَخَالْفِيْشِ اَنْتَقَامِ كَرَفْتَنْدِ .

قَطْعَهٗ « سِيْدِ » اَزِ نَظَرِ افْكَارِ بَدِيْعِ وَ سِيْكِ تَاْزَه‌اِي كِه دَاشْتِ ، چِيَاَنْ مَشْهُورَشُدِ كِه دِيْرِزَمَانِي بَرِ سِيْبِيْلِ مَثَلِ مِيْكَفْتَنْدِ : « فِلَاَنْ چِيْزِ دَرِ خُوْبِي مَاتَنْدِ قَطْعَهٗ « سِيْدِ » اسْتِ » كُورْنِي مِيْثَوَانَسْتِ اَزِ رِيْشَلِيُو شَكَايَتِ كَنْدِ وَ اَوْ رَا مَحْكُومِ نَمَايْدِ . اَمَا بَزْرِ كُوَارِي وَ بَاَنْدِ طَبْعِيَّ اَوْ بَا اِيْنْكَارِ مَخَالْفِ بُوْدِ ، چِيَاَنْ كِه

(1) Mélite. (2) la Veuve. (3) la Suivante. (4) la Place Royale. (5) Médée. (6) le Cid.

پس از مرگ وزیر هم فقط بسرودن اشعار چهارگانه ای که ترجمه آنرا ذیلا مینویسیم قناعت کرد و بدینوسیله تمام مکنونات خویشرا در باره او آشکار نمود :

« مردم هرچه میخواهند ، از خوب وبد ، دربارم کاردینال بزرگ بگویند من در آثار منشور و منظوم خویش از اوستخنی نخواهم گفت ، زیرا کاردینال بیش از آن بمن نیکی کرده است که از او بد گوئی کنم ، و بیش از آن بمن بدی نموده است که او را مدح نمایم . »



سه سال بعد بر قطعات تئاتری کورنی شاهکار جدیدی بنام « هراسها » علاوه گشت و قدر و منزلت ادبی او را بلندتر ساخت . این بار دیگر زبان منقدین بکلی بسته ماند ، زیرا عیب جوئی از تصنیفی که مظهر شجاعت و وطن پرستی و عظمت روح بود ، امکان ناپذیر بنظر میرسید . پس از آن بلا فاصله قطعه دیگر او « سین فا » انتشار یافت و در آن زمان قدرت طبع و قریحه کورنی باعلاترین درجه رسیده بود . بعد از « سین فا » قطعه « یولی یوکت » <sup>(۱)</sup> و پس از آن قطعه « پومپه » <sup>(۲)</sup> را بمعرض تماشا گذاشت و بالاخره با انتشار کمدمی دروغ گو نمایش تئاترهای مضحك را در فرانسه فتح باب کرد و آنرا سر مشقی برای مولی بر قرارداد . آخرین شاهکار کورنی قطعه رودگون <sup>(۳)</sup> بود ، مههنا از قریحه تابناک او در قطعات هراکلیوس و سرتوریوس نیز آثار آشکاری می توان یافت ،

ولی تصنیفات دیگر او که بعد از آن انتشار یافته است ، کلیه نمونه روشنی از ضعف روح و قریحه وی میباشد . در باره کورنی گفته اند که او در قدرت و عظمت طبع و روح ، از فجر تیره به نصف النهار روشن ترقی کرد و یکباره بشام تاریک نزول نمود . ولتر در خصوص

(1) Polyucte. (2) Pompée. (3) Rodogune.

آثار او چنین اظهار عقیده کرده است که: «همیشه بایستی فقط شاهکار شعرا و نویسندگانرا میزان قدرت ایشان قرارداد، اگر کورنی را از روی شاهکارهای او قضاوت کنیم بعظمت روح و قدرت قریحه و اعتراف خواهیم کرد، زیرا احساسات تند و سیاست دقیق و قوت دلائل و بلندی افکار وی را در آثار هیچیک از همکانش نمیتوانیم یافت. در قطعات کورنی رومی مانند رومی، شاه چون شاه، پهلوان بدلاوری و رشادت پهلوان حرف میزند، و اشارش همه جا با شکوه و جلال شاهانه توأم است.»

کورنی ظاهراً فربه و خندان و خوشرو بود ولی با مردم کمتر معاشرت میکرد و مکالمه او نیز چنان مبهم و نادرست بود که هیچکس اشعار وی را بیدی خودش نمیخواند. روزی شنید که یکی از دوستان شاعرش در تئاتر اشعار او را بیدی یاد کرده است و از اینجهت بلامتش زبان گشود، دوستش بدو جواب داد که «چگونه ممکن است من اشعاری را که تو خود بدان بیدی خوانده‌ای و پسندیده‌ام، از دهان بازیگر ماهری بشنوم و نپسندم!»

از اینمطلب نباید نتیجه گرفت که کورنی خودخواه بوده است، اوفقط چون ارزش آثار خویشرا میدانست از اظهار و نوشتن آن ملاحظه‌ای نداشت، آراء و عقاید متقدین را با صبر و بردباری می‌شنید و تا نمیتوانست از خویشتن دفاع میکرد. احساساتی که کورنی را بتعریف خود وادار مینمود، بقسمی نبود که موجب دل‌تسگی و آزار دیگران شود و بعلاوه حق بجانب وی بود اگر از خویشتن بسزا تعریف میکرد و قطعات بی نظیر سید و سینا و هراس و رود کورنی را موجب افتخار خویش میشمرد. معروفست که در اواخر عمر کورنی چنان طرف توجه و احترام مردم بود که چون به تماشاخانه وارد میشد، تمام حضار با احترامش برمیخاستند و چون شاهزادگانش تعظیم میکردند و جای تردید هم نیست

که در تیاتر ها او حتماً بر شهزادگان برتری داشته است ، ولی ولتر منکر این افتخاراتست و تنها دلیل او همان بی میلی و عدم رغبتی است که مردم پیوسته نسبت بفضلاء و دانشمندان اظهار میکنند ، معهذاشخص ولتر بواسطه احترام و قدر و منزلتی که در زندگانی حاصل کرد ، خود بهترین دلیل رد این عقیده است .

کورنی بالاخره در سال ۱۶۸۴ در گذشت و ظاهراً دنیای بی مهر را بدرود گفت ، ولی آثار تابناک او که تاابد در آسمان ادبیات خواهد درخشید ، محو نام نیکش را امکان ناپذیر ساخته است .



در شماره آتیه بهترین شاهکارهای او قطعه « هراسها » را تلخیص و ترجمه نموده بخوانندگان محترم تقدیم میکنیم .  
نصرالله فلسفی



عسکر اسکویث ، رئیس الوزراء انگلیس قبل از جنات عمومی .